

نابود باد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال اول
شماره ۶ دی ۳۳

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

پیام کمیته کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
بمناسبت روز پیشمرگ
کردستان ایران

رفقا و شرفا شند کان تفراسم

از طرف کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
برای تجلیل از مقام پیشمرگ کردستان (کسانیکه
سراسر زندگی مبارزاتی شان سرتار از حماسه آفرینی
و قهرمانی است، کسانی که در مدت ۵ سال گذشته
یافتد آکاری و از خود گذشتگی از موجودیت ملیتی دفاع
کردند اند کمترین خمینی با تمام قدرت در صدد سرکوب
مبارزه خونخوار ما است) ، روز ۲۶ آذر بعنوان روز
پیشمرگ انتخاب شده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه
(هویت) که خود را ادامه دهنده راه پراز افتخار
سازمانی می داند که در رهول تاریخ زندگی
مبارزاتی و ۴۹ سال ۴۹ ناحال، صدها شهید
قهرمان را فدای راه استقلال، دمکراسی، صلح
و سوسیالیسم کرده، و در سنگر مبارزه قهرمانان کردستان
شیر برای آزادی و خود مختاری، دهنها پیشمرگ قهرمان
بسیرو فرمانده، لایق را از دست داد است و در شرایط
گتونی نیز با توجه به امکانات و توانش در مبارزه
دمکراتیک کردستان شرکت دارد، اعلام می نماید
که: از این حرکت حزب دمکرات پشتیبانی می کند
و روز ۲۶ آذر را روز پیشمرگ خود می داند، روز تجلیل
از همه کسانی می داند که مسلحانه با ارجان گذشتگی
در راه تحقق آزادی و خود مختاری مبارزه می نمایند.

دستان و رفقای عزیز

امروز که برای تجلیل از مقام پیشمرگ کردستان به
متابه بازی قدرتند و مسلح مبارزه خونین خلق کرد
کرد هم آمده ایم، جا دارد یک بار دیگر خمینی
مختصر موضع خود را درباره جنبش انقلابی کردستان
اعلام نمائیم - چرا که نمی توان بد رستی از مبارزه،
فداکاری، و قهرمانی پیشمرگ کردستان تجلیل بعمل
آورد بدون اینکه دارای موضع درست، اصولی و
بقیه در صفحه ۸

جنگ «تخول»، سرکوب

توضیح - مقاله زیر جمع بندی بحث های بحثی
از رفقای تهران است که در آذرماه اسامی تدوین
شده است.

ساله جنگ ایران و عراق و چشم انداز آن، یکی
از مسائل مهم جنبش انقلابی ایران است. ارتجاع
حاکم با اتکا بر سیاست پان اسلامیتی، جنگ
و صدور تروریسم را وسیله ای برای تحقق این
سیاست میدانند. جنگ ایران و عراق یکی از
نمود های این سیاست است. از طرف دیگر رژیم
در رابطه با جنگ در بین بست کامل فرار گرفته
و میگوید بنحوی از این بست خارج شود. برای
خروج از این بست، رژیم نمیتواند بیک صلح عادلانه
(از نظر منافع مردم ایران) تن دهد زیرا جنگ
وسیله ای نیز برای سرکوب و پوششی برای اختفای
بحران داخلی ایران است، مگر درحالی که برای
رژیم مسلم بود ادامه جنگ در تشریح سرنگونی اثر
مؤثر است، ممکن است رژیم جنگ با عراق را بنحوی
با یک بحران خارجی بزرگتر که ضمنا وسیله ای
برای فریب کارهای رژیم هم باشد تحویض کند

صاحب اقداماتی دیگر بجز صلح که شکست سیاسی
رژیم خواهد بود دست یازد. تحلیل این اقدامات
و آمادگی در قبال آن یک مسئله مهم برای جنبش
انقلابی است. این مقاله حالت های مختلف را مورد
بررسی قرار میدهد. اگرچه محتمل ترین حالت
با بررسی واقعی قضایا و عوامل مؤثر ادامه جنگ
و کمترین احتمال صلح خواهد بود.
در بررسی وضعیت کنونی در رابطه با جنگ پیشاپیش
به علل بروز جنگ و تاثیرات آن نگاه اجمالی
بیفتیم. در جستجوی علت اصلی پیدایش جنگ
اکنون پیش از پیش نظرها عموماً نه به عراق
بلکه بدین سو متوجه میشود. گذشت چهار سال از
جنگ خانمانسوز و میهن بریاد ده، پراز جنگ
افروزی را بنحی رژیم توسعه طلب جمهوری اسلامی
ارزیابی میکند. اغتشاش هنی که در اثر شروع
حمله از طرف ارتش عراق همراه با اشغال قسمتی
از ایران پیش آورد و میدان وسیعی برای سرو ز
تعیلات شوونیستی و پنهانهای مناسب برای
بقیه در صفحه ۵

امپریالیسم امریکا و مسأله ایران

ما بارها سیاست حاکم بر امپریالیسم امریکارا در
رابطه با رژیم خمینی تشریح کرده و دلیل اتخاذ
این سیاست را بر شمرده ایم. ما گفتمیم که امریکا
ناچانی نه آلترناتیو مناسب خود را پیچود آورد
رژیم کنونی را در مقابل موج انقلاب حفظ
خواهد کرد. ما گفتمیم که سلطنت طلبان برای
امریکا بیشتر از یک چاق ارزشند آشته و امریکا
از آنان در جهت فشار بر رژیم استعاده میکند. ما
گفته ایم سیاست امریکا بر این امر قرار دارد که رژیم
را از درون بسخت خود جذب کند و برای این روی
چنانچه ای از رژیم و سخنرانی از جریانات پنه
اصطلاحاتیانی. خارج از رژیم حساب باز کرد و
روی آن سرمایه گذاری کرد است. ما گفته ایم که
امریکا برای پیشبرد این سیاست شیوه های خاص
خود را نظر دارد.
همچنین ما گفتمیم که بر سر تحقق چنین سیاست
صد انقلابی، شورای ملی مقاومت فرار گرفت و از این
بقیه در صفحه ۲

نبرد خلق

ویژه سیاهکل و قیام برشکوه خلق

به مناسبت چهاردهمین سال حماسه سیاهکل و آغاز
مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم دیکتاتوری شاه
و ششمین سالگرد قیام برشکوه ۲۲ بهمن شماره
آینده نبرد خلق بدین مناسبت در تاریخ ۱۹ بهمن
منتشر خواهد شد.

در این شماره:

- ★ فرار شاه نشانگر قدرت توده ها
- ★ اخبار کوتاه
- ★ اصلاحیه اعلام موجودیت کانون حمایت از شورای ملی مقاومت - مامبورگ
- ★ انتخابات نیکاراگوئه سپروزی ساند نیست ما
- ★ یک خبر از بولتن خبری کردستان ایران

پسگفتاری بر

نقلت طرح برنامه اقلیت

در صفحه ۳

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

امپریالیسم

بعیه از صفحه ۱

جهت در هم شکستن شورای ملی مقاومت وجد کردن نیروهای این شورا از یکدیگر یعنی از مهمترین سیاستهای امپریالیسم آمریکاست که از کانالهای مختلف در رابطه با این اقدام عمل می کند. سیاست تهنیتی امپریالیسم آمریکا بر این امر استوار است که اولاً رژیم راباثبات معرفی کند و در ثانی مقاومت و انقلاب را شکست خورده و ناپیروز اعلام نماید. ثورسین های امپریالیسم بطور مداوم این سیاست را در مصیوبات و رادیو و تلویزیون خود تبلیغ می کنند. خانم شیرین هانتز معاون مسائل خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیکی و بین المللی دانشگاه جرج تاون در واشنگتن یکی از ثورسین هائی است که بطور مداوم روی ایس خط و منی برنامه ریزی می کند. پختر فارسی صدای آمریکا طی ماهها گذشته چندین بار با وی صاحبه بعمل آورد است. صاحبه آخر در روزهای اول، دوم و سوم دیماه اصال از صدای آمریکا پختر شد. ما برای اطلاع خوانندگان متن کامل این صاحبه را در چند شماره چاپی کنیم اگرچه نظرات خانم هانتز کاملاً روشن و احتیاجی به بررسی مجدد ندارد ولی برای روشن شدن کته نظرات خانم هانتز در مواردی توضیحاتی کوتاه لازم دانسته که بدان می پردازیم. اینست متن صاحبه خبرنگار: "من فکر می کنم یادتان باشد که از آخرین گفتگویی که داشتیم تحولات زیادی در منطقه اتفاق افتاد است که مهمترین انجام شدن حمله بزرگ ایران به عراق بعد از آن احتمالاً تجدید روابط آمریکا بعد از دو رکنگ دیگری آخرین حادثه، یعنی ریودن هواپیماهای کهنی به تهران و مسائلی که بعد از آن پیش آمد. قبل از اینکه وارد جزئیات بشوم، شما بطور کلی فضا را با توجه به این فضا مسئله و احتمالاً مسائلی که خودتان میدانید، چطور می بینید و برداشتتان چیست؟

هانتز: آنچه که می شود گفت این است که در حال حاضر وضع ایران در موازنه موازنه ایران، عراق، تساهل حدودی بدتر شد، در مقایسه با پند ماه قبل و عدم وقوع این حمله بزرگ که به عقیده من تا اندازه ای نشانده رور تا حدودی محتاطانه تر رژیم هستش بنظر من خوشتر خوب است، برای اینکه اگر حمله انجام میشد، به احتمال قوی ایران مواجه با تلفات بسیار زیادی میشد، با توجه به اینکه عراقها از نظر اسلحه و قوای نظامی خیلی برتر از ایران هستند. همانطور که اطلاع دارید، دولت عراق مشغول ساختن لوله نفت جدیدی است و هیچ بعید نیست که بخواهد از کسک کپانهای آمریکائی در این موارد استفاده بکند. ما اینکه دولت آمریکا یک تصمیم هائی از نظر وام برای این نمایندگان اقل بشود که البته در حال حاضر من تصور نمی کنم که دولت آمریکا حاضر باشد برای اینکه عراقها هم باید خودشان بخوانند

به این ریسک دست بزنند. ولی درآیند هیچ بعید هم نیست که روابط نظامی هم بین دو کشور برقرار شود، آمریکا اسلحه بفروشد به عراق و به بسا که حتی در تعویب نیروهای عراقی هم سهمی بچهد بگیرد، در همین جنگ با ایران عراقها متوجه شدند که تعلیمات نظامی آمریکائی بهتر از تعلیمات نظامی شوروی است و البته نمی شود گفت، یعنی که نیروهای ایران بازی می کردند فقط ناشی از تعلیمات نظامی آمریکا بود، ولی شما حدودی این برتری هم در آن مورد نشان دادند و از این گذشته اگر به مسئله، البته هواپیما ریاضی را هم که ببینیم، خوب تا مسله طبیعی است که آمریکائی ها هم از این وضع البته ناراحت هستند و چیزی هم صبیعی است، منصفی هم است چرا که تنهاسازی که کشته شدند در این ماجرا و آمریکائی بودند که بعضی عضو سازمان توسعه اقتصادی آمریکا بودند و هیچ نقش به آن معنی نداشتند. البته این مسئله در افکار عمومی آمریکا نتیجه بدی می گذارد. و خوب این هم هیچ بعید نیست که باعث بشود که روابط آمریکا و عراق هم بیشتر نزدیک بشود، و آن نتایجی که عرض کردم درآیند داشته باشد.

خبرنگار: در کنار روابط آمریکا و عراق، بعد از آن حدودی نزدیک شد به سروئیل از آن به اردن، آیا این ارتباطها در محتوای مسائبات ایران و عراق یعنی جنگ و ارتباط ایران با کشورهای منطقه تاثیر خواهد داشت؟

شیرین هانتز: البته، خودتان همانطور که عرض کردم عراق تقریباً می شود گفت از سه سال پیش از وقتی که وضع جنگ تا حدودی برگشت و موقعیت عراق در جنگ تضعیف شد، سیاست خود را عوض کرد، از سیاست بعضی تا حدودی دست برداشته است و روابط خود را با بصرو بعیه کشورهای معتدل یا محافظه کار منطقه نزدیک تر ساخت. و منافی هم این تغییر سیاست، برای عراق داشت. هرگز از صریح اسلحه یا متاورین نظامی به عراق کمک درماند. و این هم که عراق و آمریکا روابطشان تجدید شده هیچ بعید نیست که عراقها در باره رابطه دیپلماتیک با صر برقرار کنند و این مسلم است که موقعیت کشورهای معتدل و به اصطلاح معتدل را در منطقه تقویت می کند و از صرف دیگر خواهی خواهی نزدیکی عراق با این کشورهای که بهر حال عراق در حال جنگ با ایران هستش، باز خواهیم دید که روابط ایران با این کشورها تا حدودی و حتی میشود گفت بلکه بدتر هم بشود. ولی در حال حاضر بهر حال روابط چندانی خوب نیست و فکر نمی کنم که این آخرین نزدیکی عراق و آمریکا هم تاثیر زیادی در روابط ایران با کشورهای عرب داشته باشد.

خبرنگار: در معالعی که سه یا چهار هفته پیش در روزنامه کرستین سائیر مانیور نوشته بودید اشاره کردید که مسائبات آمریکا و عراق نتیجه مستقیم جنگ ایران و عراق است. می توانم بگویم که

که در این مورد توضیح بیشتری بدید؟ هانتز: البته، خاطران اگر باشد، در حد و اساساً قبل، قبل از اینکه حمله عراق به ایران آغاز بشود عراق یکی از سرسختترین کشورهای عرب بود، از نظر مخالفت با صلح بین صرو اسرائیل و بعول معروف صلح نمیدید، و همانطور که مطلب هستی، کشورهای عربی را جمع میکرد بر علیه صر و مصود در این بود که صر را به انزوا بیاندازد از طرف دیگر خواهی خواهی این سیاست عراق هم پیش میرفت، مسلماً وضع چندانی خوب مساعدت این روابط نداشت. ولی جنگ تمام این وضع را عوض کرد. در ابتدا عراق فکر میکرد که جنگ بزدی تمام خواهد شد، ولی می بینیم که تمام نشد و مشکلاتی که عراق در اثر جنگ با آن روبرو شد، باعث این شد که سیاست خارجی اثر را بکلی عوض بکند و نزدیک بشود، همانطور که ملاحظه فرمودید به کشورهای معتدل منطقه و بعد از آن هم بتدریج روابطش با آمریکا برقرار شد. و به من فکر می کنم که جنگ با ایران تاثیر زیادی داشته در تعبیر سیاست خارجی عراق، بصور کلی نزدیک شدن دو کشور عراق و آمریکا.

خبرنگار: اجازه بدید برگردیم به سائلی داخلی ایران، شما در گفتگوی پیشین اشاره کردید که میانه روها میتوانند نقش درآیند، ایران داشته باشند و اینروزها صحبت از این است که امتنان دارد فردی چون مهدی بازرگان باریک به نخست وزیر ایران برگزیده بشود، نقش میانه روها را چگونه می بیند؟ و آیا اصولاً چنین امتثالی وجود دارد یا نه؟

شیرین هانتز: البته که اگر چنین واقعاً چنین چیزی اتفاق بیفتد، بنصر من یک واقعاً بسیار خوبی خواهد بود، برای اینکه این نشان میدهد که صر در ایران با لاجره بعد از این چندین سال و بخصوص بعد از زحمت و مسائلی که در نتیجه جنگ متحمل شدند، کم کم می خواهند اختلاف خانوادگی بین خودشان را به کنار بگذارند و مشکلات داخلی خودشان را حل بکنند. ولی خوب میدانید من بقول معروف جام بهان نمادارم و نمی شود گفت که آیا واقعاً این عملی خواهد شد یا نه! مسلماً ممکن است افرادی باشند که مایل نباشند به یک چنین وضعی، ولی اگر نه این انجام گیرد، بنظر من بسیار مساعد میشود. براد اینکه میدانید مسئله اعتداله صحبت این نیست که خوب هست یا بد، باید دید که در این چند سال گذشته، بعضی از سیاستهای ایران باعث شده که مملکت ایران در حال انزوا قرار بگیرد. به ما هم این همه مامید انیم این عراق بود که به ایران حمله کرد، معصدا هم کس حرفی بر علیه عراق، نه تنها حرفی بر علیه عراق نزد، بلکه همه به عراق کمک کردند. و خوب میدانید که چه مسائلی از آن حاصل مردم ایران شده، بیشتر علت این دلیل ترسی بود که مردم از بعضی تند روهایی پارهای گروهها در ایران داشتند، بنظر من اگر مایک روه واقعاً بیانه تری بعیه از صفحه ۲

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

پسگفتاری بر نقد "طرح برنامه اقلیت"

ما در مقدمه "نقد طرح برنامه اقلیت" نوشتیم که "خود اقلیت نیز در سال گذشته در رقابت با کومله اعلام نمود که بزودی برنامه‌ای ارائه خواهد داد که تنها این برنامه شایسته نامگذاری برنامه حزب کمونیست می باشد. اقلیت این ادعا را در حالی مطرح می کرد که بانی پرنسپی خاصی از جنبه های مختلف به برنامه ارائه شد باز طرف کومله وسپند نزدیک می شد تا بالاخره امسال "کوه موثر زانید" و "طرح برنامه اقلیت اعلام شد" (نبرد خلق شماره ۲) - نقد طرح برنامه اقلیت

شاید برای خوانندگان که با مواضع اقلیت عموماً آشنائی ندارند، این ادعای ما که اقلیت از مدتها پیش لنگان لنگان بدنبال برنامه حزب به اصطلاح کمونیست کومله وسپند می رود، ادبیات و نظریات آنان را به حدی و بدون اینکه کسی بفهمد مورد استفاده قرار می دهد و سر لوجه شعارهایش می نماید، چندان مورد پسند نباشد. چراکه اقلیت در حین اینکه روز بروز بیشتر به مواضع برنامه های کومله نزدیک می گردد، بیاتلاشتر خاص در صد در صد رفح ثواقف و ناخفاصیهای پهلویستی گذشته است مرتب و مستمراً به سر و کول کومله وسپند می پرد و هر روز آتش این جنگ زرگری را مشتعل تر می گرداند. طبیعی است زمانیکه جریان خائن اکثریت نیز تازه انشعاب کرد و هر روز باستانی بیشتر از پیش و گام به گام، مضمی و برنامه حزب خائن سود را در نظریات و مطبوعاتش می گنجاند، اما با این وجود حزب توده را نیز مورد فحش و تاسزا قرار می داد. حزب توده نیز در مقابل اعلام کسود این دوستان هر چه بیشتر به مانزدیک می گردند بیشتر ما را به باد فحش و تاسزا می گیرند. (نقل به مضمون)

انکار که این داستان اینبار در مورد "اقلیت" و کومله وسپند دارد تکرار می گردد. آقای عبدالله مهدی نیز در مقاله "برنامه"، "حزب" و مکان آن برای "اقلیت" منتشره در کمونیست شماره ۱۳ در مورد اقلیت چنین می نویسد:

"راستی چه چیز فدائیان اقلیت را که در گذشته به انحاء گوناگون به مخالفت با "برنامه" و نفسی نقض و چاپکاه آن می برداختند و با لفاظی فالحیل "توریک" می کوشیدند ثابت کنند که شرایط برای تشکیل حزب کمونیست فراهم نیست، بصرافت برنمه و "حزب" انداخته است. آیا این کپی بسرداری و تکرار ولو طوطی وار و ناقص احکامی که از چندین سال پیش توسط مارکسیسم انقلابی ترویج می شد و با سکوت و سپس عناد لاجوجانه و جاهلانه خود اقلیت و حتی مخالفت پهلویستهای "پیشروتر رهیرو" می شد. اکنون و از جانب اقلیت واقعا می توانند نزدیک شدن" این جریان به مواضع مارکسیسم انقلابی تعبیر شود؟ آیا فدائیان اقلیت واقعا گامی به سمت اصلاح برداشتگست؟ آیا تصمیم گرفته

است خود را از ورطه سیاستهای سازش طلبی سیاسی پرنسپیی بیرون بکشد؟

در ادامه همان مقاله چنین می خوانیم "اما اقلیت وارد کردن "اصلاحات" مارکسیسم انقلابی را با تشدید حمله و خصومت به خود مارکسیسم انقلابی و نیروهای آن توأم می کرد." ما در این مختصر کاری به تحلیل آقای مهدی از چرا و چگونگی روی آوردن اقلیت به احکام به اصطلاح مارکسیسم انقلابی نداریم. آنچه در اینجا مدنظر است نشان دادن این واقعیت است که اقلیت لنگان، لنگان به دنبال برنامه کومله وسپند است. راستی چه کسی بهتر از آقای مهدی این امر را بیان کرد است. بله آقای مهدی خوب نوشته است اقلیت در جائیکه احکام و نظریات آنان را وارد نظریات و برنامه هایش می نماید اما باز طلب کاراست و با نیان این نظریات (در ایران) را مورد حملات تشدید می قرار می دهد. واقعیت اینست که طی این دوره یکساله و اندکی که روز بروز مواضع سکتاریستی، بر "اقلیت" حاکم و مسلط می گشت، همراه با آن نزدیکی برنامه های بیشتری به حزب به اصطلاح کمونیست کومله وسپند پیدا کرده (می کند) تا جائیکه اکنون اختلافات مهم اقلیت با کومله وسپند نه بر سر مسائل داخلی می بود به انقلاب ایران، بلکه روی مسائل جهانی، آنهم مشخصاً دیدگاه و موضع گیری نسبت به کشورهای سوسیالیستی جهان است. جائیکه اختلافاتی نیز در حوزه مسائل داخلی بروز می نماید، صصح و عمق آن اختلافات به حد و نحوی است که می توان وجود این تمایزها فکری را در سازمان واحدی عیبیی دانست. بنا بر این روشن است که سیرا عبدالله مهدی (دبیر کل حزب به اصطلاح کمونیست ایران) در مقاله اثر عدتاً "اقلیت" را از جنبه دیدگاه نسبت به کشورهای سوسیالیستی و خصوصاً شوروی مورد حمله تبلیغاتی قرار داده است.

سعید آرمه ۶۳

فوران شاه...

عجبه از صفحه ۱۰
آن شاه با آنهمه قدرت و دستگاه عریض و عریض سرنگون گردند و کاخهای سلطنتی فرو ریخت و خاندان شاهنشاهی مدفون گشت و این خود تجربه های بزرگ بحساب می آید. اما توده ها فاقد یک رهبری انقلابی بودند. و در عمل روحا نیست و متحد نیز قدرت را از دست مردم ربودند زیرا مردم برای حفظ قدرت توده های، آماد و تشعبیدند تجربه سقوط شاه به مردم ایران آموخته است که باید سازمانهای مسلح توده های خود را بوجود آورند. و با شرکت در مبارزه مسلحان برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحان توده های رژیم خمینی و تمام ارگانهای نظامی، انتظامی و اداری را نابود کرده و قدرت واقعی خود را مستقر کنند. تردیدی نیست که اگر خلقهای ایران مسلح سازمان یافته شوند هیچ نیروی نمی تواند دست آورد انقلاب آنان را بریاید مردم ایران از تجربه سرنگونی شاهین را بطور نسبی آموخته و باز هم خواهند آموخت.

لهبریاکسیم

بعجه از صفحه ۲

راپشتر بگیریم و بینیم که این تند روها چه تاثیرات بدی در اژدهان عمومی و فقط هم کشورهای غربی نیست حتی در کشورهای جهان سوم، نسبت به ایران ایجاد می کند و رویه خود مان را تعدیل کنیم و اختلافات داخلی را تا حد حدی کنار بگذریم، این مسلماً هم موقعیت ایران را تقویت می کند و هم باعث می شود که ممکن است حتی بعضی کشورهای جهان الان از عراق حمایت می کنند مسلماً حمایتشان را تعدیل بکنند، نه البته شکی در آن نیست که انشاالله وضعی پیش می آید که نه ممکن است که این جنگ هم پایان پذیرد و ناراحتی های مردم ایران هم تا حدودی التیام پیدا کند.

حزینگار: ولی خانم خانتر پرسش این است که آیا این گروههای تند رو نه تنها در طی این چند سال گذشته با انواع تند روها ی خودشان فکری شدیدی بوجود آورده اند، حاضر خواهند شد دست از تند روی بردارند و احتیاطاً به یک نوع میانه روی گرایش پیدا بکنند یا نه؟

خانتر: البته اگر که اینها واقعا یک نظر درستی از اوضاع منطقه ای، از اوضاع داخلی ایران و اوضاع بین المللی داشته باشند، به عید ه من برای حفظ منافع خودشان هم که شده، بایستی که از ایسند روی دست بردارند و لاف اهل حتی اکثر برادر یک مدت موثقی هم که شده بیشتر به طرف اعتدال بروند. برای اینکه می بینید هیچ آدمی واقعا نمی تواند پیش بینی شده اگر این تند رو ادامه پیدا بکند، به اثراتی مثلن است در

موضع کشورهای منطقه ای صادر موشک کشورهای بزرگ داشته باشد. شما می بیند که آدم در روزنامه هل می خواند، در محافل مختلف صحبت هست که خوب اگر ایران دست بردارد از هماری، تمیذ ان ایس درست است یا نلط، ولی دست بردارد از هماری با هواپیمای ریاند ها و تروپسها و اینها، ما بایستی که ایران را در انزوا ی اقتصادی قسرا ر بد هم، روابط تجاری را قطع بشیم، خرید نفت را از ایران خوب همه اینها بنظر من اثرات وخیمی هست وضعی می توانم بکم برای مردم ایران و حتی برای همین گروههای تند رو هم ممکن است پیش بپاره. امید ما به حال این هست که اینها خودشان، حتی اگر منافع خودشان را هم در نظر بگیرند یک تعبیر صحیحی از وضع ایران و وضع منطقه و اوضاع بین المللی بکنند و مانعی در راه پای معتدلین به اصلاح قرارند هلد. ولی آنچه که مهم هست اعتدال بخصوص از نظر رفتار بین المللی ایران هست، که ایران دیده نشود بصورت مرکز پرورش تروریسم یا یک مرکز عدم ثبات برای بقیه کشورها. اگر که در آن جهت پیش برند و همانطور که عرض کردم صحبتها می که اخیراً شده از مقامات کشور ی نشان میدهد که عده زیادی هستند که بعجه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - همکاری خلقهای ایران

اخبار کوتاه

طبق اطلاعات واسله از ایران، مساله انفجار بمب در میدان رافاهن، مشاجرات زیادی در بیسن گردانندگان رژیم ایجاد کرد است. باند های مخالف در دستگاه حکومتی در این رابطه بطور پنهانی پیمان هم افتاده اند. آنها به بیشتر از هر کسی می دانند که این انفجار کار خود رژیم بوده، هساکت غاری و ایاد ولوا مسبب این جنایت بزرگ می دانند

طبق خبری که از دفتر بهشت و هرا بدست ماریسه رژیم طی ماه گذشته هر روز جسد تعدادی از انقلابیون را تحویل گورستان بهشت زهرا داد هسکت دفتر مجاهدین خلق در پاریس نیز طی اطلاعیه ای اعلام تعداد زیادی از زندانیان سیاسی توسط رژیم اعلام نمود.

کمیته حمایت از ناهندگان سیاسی ایران در بلژیک طی اعلامیه ای، توطئه های ارتجاعی رژیم خمینی را در رابطه با اعزام فالانژها تحت عنوان دانشجو و دیپلمات بخلج افشا نمود. در این اعلامیه از اقدامات کمیته حمایت از ناهندگان سیاسی ایرانی در بلژیک در رابطه با مسئولین مدارس که مزدوران رژیم در آنجا ثبت نام کرده و به اقدامات ضد انقلابی خود می پردازند اشاره کرده و اعلام نموده که اینگونه اعمال ترویجی رژیم نمیتواند خللی در اراده ناهندگان ایرانی برای افشا رژیم خمینی ایجاد نماید.

به نوشته روزنامه فیکارو چاپ پاریس، رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ در اوائل سال جاری مسیحی اعلام نمود که کشورهای غربی بیشتر نگران حفظ منافع تجاری خود در ایران هستند تا محکوم کردن نفس مستمر حقوق بشر توسط رژیم ایران

روزنامه لوموند بخشی از نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران را چاپ کرد هسکت. در این نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر، توجیهات سفارت رژیم در فرانسه را که طی یک آگهی در لوموند ۱۰ ژانویه ۸۵ چاپ شده رادلیل بری اثباتی رژیم خمینی نسبت به مساله حقوق بشر می دانند. در نامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران هم - خوانیم که:

"جمهوری اسلامی ایران از مدتی پیش دست به تبلیغاتی زد هسکت تا در مقابل فشارهای بی وقفه سازمانهای بین المللی حقوق بشر، وجهه جدیدی بدست آورد. آگهی در لوموند مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۸۵ منتشر شد و طی آن نامه ۵۷ عضوا را نام برد

خطاب به دبیرکل سازمان ملل در مورد نفس شدید حقوق بشر در ایران به زیر سوال رفت هسکت، تنها مهتد این است که رژیم اسلامی بعد از شتر سال اعمال و رفتار ضد بشری، زندانی کردن، شکنجه و کشتار در ایران تا ملا راضی بوده است.

منتظری خاکن در تاریخ ۱۳ دی ماه با جمعی از مزدوران رژیم که در دستگاه های تبلیغاتی و خبرگزاری رژیم در داخل و خارج از کشور فعالیت می کنند دیدار کرد. وی در این دیدار وحدت خود را از تصاد های لاینحل درون رژیم بدین صورت اعلام کرد:

"من از این خط بازیها که یکی راه خط یک و دیگری راه خط دو یا خط این و آن منسوب می کنند، احساس غصه می کنم. این خط کشیها بصر اسلام و انقلاب است و باید دور ریخته شود."

فهد هواسمه، عضو کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و یکی از پرنفوذترین رهبران فلسطینی در مناطق اشغالی در امدی اسال در امان پایتخت اردن ترور شد. مراسم تشییع جنازه او با شرکت یاسر عرفات رهبر سافت در امان برگزار شد. یاسر عرفات طی مساجبه ای سوره راضم به سرشد در این ترور نمود کمیته اجرایی سافت، ابوجهاد را بجای فهد مسئول بشتر امور مربوط به سرزمینهای اشغالی نمود.

به نوشته روزنامه فیکارو چاپ پاریس، هک محفیا نه سیا به نیروهای مخالف دولت افغانستان در سال جاری به ۲۵۰ میلیون دلار خواهد رسید.

دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس طی اصلاحیه ای که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۸۵ منتشر شد اعلام نمود که از اوائل ماه ژانویه ۴۰۰ نفر در ایران اعدام شده اند. از جمله انقلابیونسی که بدست دشمنان رژیم خمینی در این فاصله اعدام شده و در اطلاعیه از آنها نام برده شده هسکت هسکتس حبس جاری، دکتر محمد انقیاد، و شکوه عیدی می باشند.

حزب سوسیالیست فرانسه رفتار بد و خشنوند آمیز رژیم خمینی علیه اسرای عراقی را محکوم کرد هسکتس موضع گیری پس از افشای جنایت رژیم در اردوگاه اسرا در گرگان توسط صلیب سرخ صورت گرفت هسکتس.

احمد حسینی عضو مجلس صد خلقی رژیم در سخنرانی پیش از دستور روز ۱۳ دی ماه گفت:

امپریالیسم

بعیه از صفحه ۳

میخواهند در آن جهت پیش ببرند، من فکر می کنم تاثیر زیادی در وجهه ایران و روابط ایران با کشورهای جهان همانطور که عرض کردم نه فقط کشورهای غربی بلکه کشورهای جهان سوم خواهد داشت.

توسیع نبرد خلق: بادقت در آنچه خانم هانتر تاکنون گفته در خواهیم یافت که جنگ نفس برای رژیم خمینی "برکت" و "رحمت" نبوده بلکه منافع وسیعی برای آمریکا در برداشت هسکتس هانتر کویک و ناقص آنرا بیان می کند تا اصل مطلب را پنهان دارد. اصل مطلب همسوی کامل سیاست بحران زائی و تشنج آمرینی امپریالیسم آمریکا با سیاست صدور بحران و صدور ارتجاع رژیم خمینی است. سیاست امپریالیسم آمریکا، تعرض به انقلابات در منطقه و جلوگیری از رشد جنبش استقلال طلبانه در منطقه بود. برای این امپریالیسم می بایست بجهه شرقی اسرائیل را تضعیف و در جبهه غربی اعراب تنکاف ایجاد نماید. این نقشه با تعرض فلسطینی ها در لبنان تکمیل شد. نفس حاننا نه رژیم خمینی درست در همین نکته نهفته است. اگر شیرین هانتر از رژیم خمینی می خواهد که دست از تند روی (یعنی صدور تروریزم) بردارد در واقع برای این نیست که مردم ایران به صلح و آراک دست یابند، بلکه برای اینست که رژیم از نظر بین المللی پذیرفتنی باشد. وقتی هانتر می گوید "آپه مهم هسکتس اعدا ان شخص از نظر رفتار بین المللی ایران هسکتس منظور اینست که اگر رژیم خمینی هرگونه سیاست سرکوبگرانه در رابطه با مردم ایران دارد برای آمرینا مهم هسکتس نیست. زیرا برای امپریالیسم آمریکا در رابطه با مسائل داخلی حداکثر این مطرح است که ناراحتی های مردم ایران هم تا حد امکان نیام پیدا کند" ولی از نظر بین المللی رژیم ایران باید پذیرفتنی باشد. بیعاشیرین

هانتر برای اینکه که مساله را محفی کند، تند رویها را بعهد گروههایی می گرداند که معلوم نشود نفس خود خمینی در این میان چیست و در عوض وقتی از اعتدال صحبت میشود می گوید "صحبت هائی که اخیرا شده از مقامات کشوری نشان میدهد که عده زیادی هستند که میخواهند در آن جهت پیش ببرند" هسکتس تبلیغاتی وی در اینست که بعیه در صفحه ۹

"اجرای قوانین باید پیشان باشد و تبعیض های ناروا باید از بین برود" وی در این رابطه میگوید: این صحیح نیست یک نفر مستضعف سالها در نسبت آهن بعاند و فلان سیاستمدار آنها در زمینش زنگار بزند. اگر عرضه جنبش در بازار سیاه خلاف است فلان آقای وکیل و وزیر که در بازار سیاه ماشین میفروشند اول مجازات شود"

نابود باد امپریالیسم جهانی بسز کردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

جنگ ...

بسیه از صفحه ۱

توجهات اهرتونیستی کثانی در مقابل ارتجاع حاکم بدست میداد، اکنون رنگ باخته و شعارهایی چون دفاع از صهیون انقلابی که همان دفاع از رژیم بود و جنگ ارتجایی - دفاعی که بیان دیگری همان شعار بود و شرکت مستقل در جنگ که آن نیز حداکثر به معنای جنگ مستقل با بیگانگان و جرم و لاف فراموشی دشمن داخلی تفسیر میشد، اکنون هرچه بیشتر جایگزین در میان توده‌ها از دست میداد. حاکمیت متحد ارتجاع برای نخستین - مقصود علی‌صدر انقلابش عراق را همانطور که در جای دیگر گفته ایم، مجموعه شرایط فعلی و تاریخی آن وضعیت منطقی امیدهای فراوانی در ارتجاع حاکم برمی‌انگیخت، برگزید اما رهائی مجرد جهان کثانی در شرایط مشخص به کار دیگری آمد. ارتجاع که بر موج بحران به حکومت رسیده بود، در عمل روشی مخصوص برای مقابله با آن بکار برد؛ مقابله با بحران از طریق بحران.

جمهوری اسلامی چریک‌های بحران را یکی پس از دیگری بازی کرد و جنگ از آخرین و در عین حال قوی‌ترین آن برگ‌ها بود که زمین زده‌ها به عبارت بهتر از برنده‌ترین سرنیزه‌ها بود که بصیغه انقلاب میزنند سلاحی که رژیم خمینی بدست گرفت را میتوان به تنگی تشبیه کرد که تنها دود باروتش از دهان آن سستی که قراول رفته است بیرون میزند، در حالیکه که گلوله‌ها به سمت دیگری شلیک میشود. محشرهای غلاظ و شداد متوجه امریثا و محر و صیبت از حقوق زندان، اعدام و سرکوب نصیب کارگران و انقلابیون میشود. جنگ را باید ادامه همین سیاست مزورانه شرع ناکهانی از پهلو، خنجران‌زنی بنام مرگ بر امریثا و فعلاً بنام ارتجاع دانست. اتحاد ارتجاع با بحران جنگ به جنگ بحران رفت اما آیا رژیم به اهدای که در انقشار داشته‌شده است؟ چنین شیوه‌های نتایج تبعی به بار می‌آورد که حل مسایل جدیدی را در دستور کار قرار خواهد داد. مشکل گشا خود به مرور مشکل‌آفرین میشود، پدیده‌هایی که سود یازبان آن مطلق باشد وجود ندارد. سود و زیان نغتنها مطلق نیست، بلکه نسبت بین آنها نیز متغیر است. آنچه را که رژیم ضد بشری خمینی از جنگ بدست آورده به بهترین صورت میتوان با تعبیر خود او بیان کرد که "جنگ از الطاف خفیه الهی است" زیرا که "جنگ مساله اصلی است". بنابراین نان و آزادی دیگری مساله‌ای نیست. اما به رقم اعتقاد "ولت صحار" لطف الهی نیز مشمول مرور زمان است، گذشت زمانی که الطاف خفیه را آشکار می‌کرد، اکنون لطف خود را از دست داده است. منافعی صیاب جنگ برای رژیم به مرور نغمان یافت و مضار آن رفته‌رفته بیشتر شد، منفعات اساسی جنگ برای رژیم، فاشی آمدن معطی بر بحران از صریق کم کردن آن در بحرانی بزرگتر بود. اما اکنون صحبت در باب ضررهای جنگ لزیم می‌یابد. پدید آید و سوسه‌پایان جنگ در بین طیفی از هیات حاکمه در بررسی همین مسئله آشکار میشود. گذشته از تمام مضرات که اکنون رو به انکشاف نهاده است، برای رژیم

اینکه آیا باز هم میتوان و باید از طریق جنگ خارجی (باعتراق) سرکوب داخلی را بطریق سابق پیشتر برد عهدترین مساله محسوب میشود، چرا که اکنون سرسستی حرمشهر بمر کجبه و انفجر تبدیل شد و خرید لان خرمنشهر، میانه‌نمین مجنون شد مانند، مخالفت تند مها با جنگ آشکار یانهان همه جا وجود دارد، مشکلات اقتصادی و عدم توانایی در جایگزین کردن نظرات و تجهیزات از دست رفته باری بر مشکلات سابق رژیم می‌افزاید. رژیم خمینی با این سؤال بزرگ مواجه است که، با جنگ چه کنیم؟ و بار دیگر به این سؤال اساسی بازگردیم که چرا جنگ؟ و بهر سبب که آیا خواسته‌های رژیم از جنگ کاملاً برآورده شده؟ بر آوردن آن نشان میدهد که هنوز نه رژیم در پاسخ این سؤال اگر که برآورده‌ها و اطلاعاتش جواب را مثبت هم نشان دهد باید آنرا عملاً به آزمایش گذارد، آزمونی که پس‌خبرناک است. اما اگر جنگ دیگر داری موثری برای تسکین درد رژیم نیست اما خود عوارض دیگری را سبب شده است. چنین است که رژیم سرسام گرفته چه کنیم؟ با جنگ چه کنیم و با مردم چه کنیم؟ کجاست آن نوشد ارضی که زخم مارادمان کند؟ آبجیات رژیم در فرات است و از اینوست که فالانس مددس در رهای دستیابی به آن سر به ظلمات نهاده است (۱) چنین است که جمهوری اسلامی آزموده را دوباره می‌آزماید، و انفجری و انفجر می‌آید. اما فاجبران و انفجر که در تمامی آب‌حیات سر خود را بدیوار می‌کوند، تنها سرشکستگی نصیبشان می‌شود. با اینهمه وقت تنگ است و تریاق در عراق رهای نجات و خوف اضلال چنان قوی است که دست بریدگان را سوسه دستاندازی و بار می‌بخشد، اما این بخت آزمائی تالی می‌تواند ادامه یابد؟ واقعیات به رژیم نشان میدهد که فتح عراق (که مسکن همه در اوست) هرچند بسیار دلغریب، اما دور از دسترس است و توان رژیم هرچه می‌گذرد، برای آزمایش بخت مجددم خواهد شد. دقیقاً نمی‌توان معین کرد کفای رژیم بار دیگر سرسوخته از سودای خود رابه این دیوار خواهد کوفت و انفجر هفتوست رادریوق و ترنا خود خواهد دید تا بهشت زهرا به قطعه هفتصد و هشتصد گسترش دهد پانه؟ آیا میتوان احتمال داد که بعد از انفجر هفت و هشت (اگر رژیم همه چیز را از دست نداد باشد) طرفداران راه‌حلهای دیگر برای سرکوب خلق که اکنون هم وجود ندارند افزایش پیدا کنند. اگر با برآورد از مجموعه نیروهای متقابل بپذیریم که فتح عراق (فشی حیات بخش برای ارتجاع، متقابلاً به معنای روزگار و حشتناک برای نیروهای انقلابی و خلقهای ایران و عراق) احتمال وجود ندارد و اگر رژیم هم به چنین نتیجه‌ای برسد به چاره جوشی های دیگری خواهد پرداخت ما مختصراً حالات مختلف و سلک‌های گوناگون رژیم را با در نظر داشتن احتمال آن بررسی خواهیم کرد و فراموش نمی‌کنیم که این چاره جوشی در هسر حال و بناچار حول محور تأمین ادامه سیادت بر خلق، حول محور سرکوب دارگران و زحمتکشان و جلوگیری از برآمدن جنبش توده‌های نوسان خواهد داشت. راه‌های خروج از بن بست جنگ (بعثابه از دست دادن بحران بعنوان علل ادامه

حکومت و سرکوب) باید ضمن روشی نهی برای ادامه جنگ باشد، زیرا انکار رژیم بر پان اسلامیم و صدور ارتجاع و ترویس جنبه استراتژیک و حیاتی دارد.

الف - جایگزینی بحران با بحرانی بزرگتر. پایان جنگ از صریق گسترش جنگ: حکومت پنج ساله جانیمان حاکم که آنرا به اعتباری میتوان حکومت بحران نامید نشان داده که خاصیت هر بار برای حل بحران، بحران دیگری را بکار گرفته که لاجرم باید از بحران قبلی بزرگتر باشد جنگ را چنین که برمی‌آید بایستی نقطه پایان بحران بایستی دانست. تصور یافتن بحران بزرگتر از جنگ مشکل است پس محتملاً برای ایجاد بحران بزرگتر به جنگی بزرگتر نیاز خواهد بود. اما چه جنگی و با که؟ چنین جنگی باید با مجموعه ادعاهای رژیم هماهنگی داشته و بتواند مقاصد سرکوبگرانه اثر را در داخل بر آورده کند پس اگر راه بره بسته است از راه هرزه به دریا باید رفت. جنگ با عراق را میتوان در هیاهوی جنگی بزرگتر بنحوی قیله داد و این جنگ بزرگ که عظمت آن مستقیماً با وسعت فعالیت صد اوسعی حکومت معتقدین به ولایت فقیه بستگی خواهد داشت میتواند جنگ منطقی یا بهتر از آن درگیری مستقیم نظامی با آمریکا باشد که راه آن از طریق هرزه نزدیک تر است. بحران بزرگ، بحران بستن تنگ هرزه یا چیزی در همین ردیف (مثلاً همراه با حمله به امیرنشینهای خلیج فارس) چنان هیاهویی است که جنگ با عراق میتواند در آن کم شود و در آن صورت چند حالت قابل بررسی است.

۱ - دخالت آمریکا یا کمک به رژیم ارتجاع از طریق حمله به آن: ناامنی یا انسداد تنگ توسط رژیم در دخالت مستقیم آمریکا چنان بحرانی را که جمهوری اسلامی خواهان آنست به او ارزانی خواهد داشت. جنگ با آمریکا شور و هیجان در لشکریان خمینی ایجاد کرده و روحیه جدیدی که اکنون تندیاً تضعیف شده به آنان خواهد داد. هرچه تبلیغاتی قوی بدست ارتجاع داده و ادعای جنگ مستقیم با آمریکا لباس حقانیت برتن خواهد کرد. بعید است که نیروهای سیاسی با توجه به تجربیات گذشته دچار خود فریبی شوند، اما روشن است که دست آنها اگر وقوع چنین امری را پیش بینی نکرده باشند بسته خواهد شد و در این هیاهو رژیم میتواند جنگ با عراق را به بهانه کشیدن نیروهای صرف خلیج بنحوی فیصله دهد. رژیم (بهتر است بگوئیم جریاناتی از آن) گامهای چندی را در این زمینه بردارست. حمله به کشتی های عربستان و کویت، پرواز دادن هواپیما در نزدیکی ناوهای آمریکائی و تهدید دائم به بستن تنگه. اما جریانی دیگری از رژیم در همان زمان هیاهوی جنگ خلیج در مقاله ای در روزنامه کیهان شمس از طریق گسترش جنگ را رد کرده و صراحتاً گفته که مبادا نیروهای حزب الله گول جنگ خلیج را بخورند و توجه آنها از جنگ با عراق به جنگ دیگری معطوف شود. (توجه دقیق به اختلافات درون رژیم بر سر ادامه و سرنوشته جنگ مسائل متعدد را روشن می‌کند که بایستی مورد توجه باشد) در پی

جنگ *

این فرض از نقطه نظر نظامی رژیم امپاتان آن را درست است. برای ناامین کردن آبراه هرمز از طریق مین گذاری دریائی و شلیک توهخانه زمینی (استقرار توهخانه پیاده در حاشیه شمالی تنگه) و استفاده خواهد شد. در مورد چگونگی دخالت آمریکا تنها به ذکر این نکته می پردازیم که این دخالت ممکن است محدود و استعمال منطقی که از احتمال کمتر برخوردار است باشد.

۲ - عدم دخالت سایر دولت ها - چنین امری نقش توطئه ارتجاع را برآب زده و حاکمیت به بحرانی که خواهان آنست دست نخواهد یافت تا بتوانند در پوشش آن جنگ با عراق تمیسه دهند. بعلاوه مصیبت دیگری گریبا نگیرش خواهد شد (تنگه هرمز گلوگاه منطقه، اما گلوگاه خود رژیم هم هست. کشورهای منطقه ای بیشتر از خود رژیم تاب پسته بودن این آبراه را دارند. در مورد سایرین احتمالا اربهای غربی و ژاپن ممکن است با مشکلاتی در زمینه نفت روبرو شوند) پس رژیم سیاست صبر و انتظار را تحمل نخواهد کرد تا خود بدست خودش خفه شود و کاری می کند که ناچاران تجاوزگر به ترتیبی به سراغش بیایند. از طرف دیگر عدم دخالت هیچ دوستی که به معنای عدم

دستیابی رژیم به بحرانی تازه استدر حالی که مشکلات قوای دریائی در اثر بستن تنگه پیش آمد رژیم را در موقعیتی سخت خضرتان قرار خواهد داد. در شرایط حاضری اساس مقایسه مجموعه نیروهای جریانات اپوزیسیون سرنوشتی رژیم متضمن خضرت جدی برای آمریکا خواهد بود. بحران انسداد تنگه و درگیری مستقیم با آمریکا بحرانی بزرگ و وسیع در حالت محتمل تر بدین شکل بحرانی کوتاه مدت و در هر حال به اینتر خواهد آمد که جنگ با عراق در اثنای آن بنحوی میسر یابد. در هر صورت چنین بحرانی را باید چیزی در ردیف از ایمن ستون به آن ستون در نظر آورد که حرج نهایی نیست. بعد از ختم هیاهوی بستن تنگه و جنگ با عراق باز اتحاد ارتجاع میماند و حواسته های بر آورده نشده بودها این راه برای خروج ازین پست جنگ با عراق مناسب اما برای ادامه پای سرشوب بودها از این صریق کافی نیست. برسیل تذکر به آندسته از کسانی که بادست کم گرفتن باند های علنا حاکم فعلی و بزرگ کردن لیبرالها یعنی آن جهان خردمنان و در نتیجه در سایه هرار دادن دشمنان مشخصه اکنون همان باند های ارتجاعی را تا حد سنگ زنجیری امپریالیسم ارتجاع دادماند و بنابراین جنگ بین آمریکا و ارتجاع حاکم را میسر ممکن می دانند بطریق احتیاج اشاره می کنیم که جنگ مالدونیاس (انگلیس و آفرانگین) مراجع می شود.

ب - کوشش برای کسب پیروزی نسبی از طریق سیاسی - برکناری رئیس جمهور عراق صدام حسین بسیاری از فعالیت های رژیم خمینی اکنون در جهت جهت این امر تمرکز یافته و حتی بعضی از فعالیت های نظامی هم مستقیماً در خدمت این امر است. خلاصه موضوع را رسنجانمی چنین بیان می شد:

"امید داریم دنیا بر سر عمل بیاید ۲۰۰۰ با کنار رفتن صدام منطقه روی آرامش بخود خواهد دید." (واسم)

است که دنیا معنی آمریکا و سرعزل آمدن همان اضاها نصف کردن است) اما برکناری صدام حسین بسا اشکالاتی مواجه است از این نقطه نظر، او کنعان اورن پاشاه نیست. فعلا هم نفوذ آمریکا در عراق نظراتش و بی رحمت برابر فرانسواست و با احتفال قریب به یقین سووی ابزاره چنین ناری به آمریکا نخواهد داد، اما این فرض در صورتی که امپاتان عملی شدن را بیاید پیروزی ارتجاع و بنابراین می تواند بهانه حاتم جنگ تلقی شود. اما اگر آمریکا چنین امکانی هم داشته باشد باز در انجام آن بدلیل ترس از میل رژیم در تبدیل پیروزی نسبی به پیروزی کامل شک خواهد کرد. اهمیت رئیس جمهور عراق برای دل رژیم عراق از نظر ساخت حکومتی چیزی در حد اهمیت شاه برای رژیم سابق است. در جریان برکناری صدام حسین بسیاری از مسئولان سووی و فرماندهان لشتری عراق که قبلاً با سقوط رئیس جمهورشان برنار وجه بسا دستگیر و کشته خواهند شد (حتی اگر هرگونه قولهای مساعد به آنان داده شود) مقاومت خواهند کرد، این بدین معنی است که برکناری صدام حسین در حال حاضر باید همراه با تعویض و تغییر در بسیاری از مقامات عراق باشد، در این صورت رژیم عراق دچار تست شده و ورشته فرماندهی نظامی از هم گسیخته خواهد شد و بدین ترتیب ارتش عراق تاب مقاومت در برابر حملات سپاهیان ولایت فقیه را نخواهد داشت و در آن صورت هر قدر هم خمینی در مورد عدم حمله به عراق در صورت برکناری صدام حسین قسم خورده باشد، کیست که باورند او حتی لحظه ای راد دستیابی به روای فدایی کلینسک امپان عملی شدن یافته از دست بد هد و چه کسی تنگ نخواهد کرد که به مجرد دخول مغول و ولایت فقیه به بصره، راه قدس را از کوه نگ راند، چه حتی امروز هم اگر ارتجاع به اندازه کافی وسایل دریائی و هوائی داشت ممکن بود راه قدس را از کوهننگ راند. تسلط ارتجاع بر عراق برای آمریکا می تواند قابل قبول باشد، اما کوهن چیز دیگری است در میان کشورهای عرب هم جوار تنها عراق است که آتش (بخصوص زمینی) در مقابل باهجوم مغول وار جمهوری اسلام را دارد و در نبود آن در میان کشورهای عربی تنها مصر که آنهم در فاصله دوری است چنین توانی را دارد. تحویل جنگ افزارهای مخصوص و بصره هواپیماهای ویژه به عربستان و کوهن جز در نتیجه نگرانی از امکان شکستن خط دفاعی بصره (هر چند به احتمال ضعیف) نبود. بدین ترتیب چنین راه حلی برای فیصله دادن به جنگ اگر چه مطبوع رژیم است اما ماهیت کنونی رژیم، آمریکا را در اضاها چنین لطفی (اگر بتواند) دچار تردید خواهد نمود.

ج - نه جنگ، نه صلح، استفاده از حالت جنگی در حال حاضر این وضعیت تقریباً وجود دارد، بدین صریق ارتجاع حاکم در حالیکه جفاک جنگ را هم چنان با دای سرنگه داشته، اما در عمل مغول تجربه انعطاس شرایط بد و جنگ در میان بودها نیروهای خود شریانی هاست. در ایست میان فاکتور مهم چگونگی عمل بودهاست سایر موارد را بیشتر و کم می توان بنحوی سروسامان داد این نکته را فراموش نکنیم که در هر حال رژیم حاکم بد و نچرا

نمی تواند خود شریا حفظ کند (هر چند با بحران هم رفته رفته اینکار مشکل میشود) جریانی از حاکمیت نیز نباید با این وضع موافق باشد زیرا انعجار در امکان عمومی و حرانی از این قبیل را میتوان هم بحران یدک و لطفی در حالی که جنگ فروکش کرده و هم بعنوان ابزار نارضایتی همان جریانی تلقی کرد. نکته دیگری نیز مسلم است، بخار بردن فالانکس ارتجاع به روش فابیونی (۲) آنرا در هم خواهد شکست، بعنوان یک عامل موثر دیگر بایستی از امکان بروز نارضایتی نظا میان که خواست پایان جنگ دارند در این حالت پیاد کرد. طرف دیگر قصبه یخنی عراق را نیز بایستی در نظر گرفت. چندان مشخص نیست که عراق تن بعاین حالت بد هد. زیرا در حالیکه رژیم نفت را صادر می کند شاهرگ حیاتی عراق در خلیج قطع شده و تمام سرزمین های آباد و حاصلخیزش که در شرق واقع است در تیررس توهخانه رژیم خمینی است بنا بر این ادعاهای عراق راد انهدام چیزمخارک اگر چه واقعی هم نباشد، اما قطعاً بی حلیست نیست، عراق تاکنون حاضر به قبول چنین حالتی نشد و نارضایتی خود را با زبان "اگر بصره" ها و "اسراس ۱۲" ها بیان کرده است. در این رابطه تجربه مصر در زمان عبدالناصر و سوریه کنونی قابل توجه است.

د - نه جنگ، نه صلح - سازش پنهانی با عراق چنین وضعی تقریباً مطلوب هر دو رژیم و آمریکا است و خواهد فرائشی که می تواند مفید این حالتو هم حالت (ب) باشد موجود است اما این امر متضمن اشکالاتی نیز هست. زیرا در این صورت عراق با پید برای اصمیتان از عدم حمله جمهوری اسلامی دلایل قابل قبولی در دست داشته باشد که در این میان مطمئناً قول رژیم کوچکترین ارزشی نخواهد داشت، بهر چه اگر این قول را شخص خمینی اعلام کند، احتمالاً عراق عقب کشیدن نیروها از مرز آزادی ششتری در شمال عرب راه آزادی صدر و نفت اوست تقاضا خواهد کرد که انجام آن توطئه پنهانی را آشکارا و اسرار را برملا خواهد کرد زیرا لشکران امام چهارم برخلاف امام زمان از دیدها پنهان نیست، خبر عقب نشینی نیروهای خمینی از مرز صاعی بعد در همه جای ایران منتشر می شود. سازش با عراق اگر که مردم از آن مطلع شوند از نظر جمهوری اسلامی نقض غرض است، بعلاوه مطالبی راه در مورد بستن "ج" شمریم در این حالت نیز تا اندازه ای صادق است.

ه - صلح از طریق مذاکره این مقوله را در نوشته های متعدد توضیح داده و گفتیم که صلح با هر ادعای پیروزی که همراه باشد شکست سیاسی حکومت و شکستی است که نمی تواند آنرا پنهان کند و بنابراین نتیجه آن تبدیل مسرگ تاریخی رژیم به مرگ لحظه ای خواهد بود.

نتیجه - بن بست جنگ برای رژیم یک امر مهلک و اضراف بیان و پاره جوش برای صلح امری مهلک تر است هر دو صحنی در شرایطی معد و راست که رژیم در آستانه سقوط باشد، ادامه جنگ نیز خسراتی عظیمی برای رژیمی که مردم در بحران عمیق تر فرو میرود پیش خواهد آورد. رژیم راههای متعددی را پیش روی خود دارد که نقاط ضعف و قوت آنرا در بالا بر شمریم، میتوان گفت که در مجموع هر

جنگ

کدام از این راه حل ها ، اگر بطور واقعی با آن برخورد شود ، برای رژیم موارض جبران ناپذیری دارد این نتیجه منطقی موقعیت ونود ویزگی رژیم کنونی است . رژیمی که هر حرکت و تاختنیک اثر بحران وسیعی بست را عمیق تر و سرنگونی اثرات قطعی ترمی کند . پیشروانغلا بی باحفظ خط استراتیک صلح و سرنگونی باید آماده تطابق سیاسی با هر شرایط نامشخص دیگر شود سازباند هی مبارزات توده ها پیرامون خواست صلح و تبلیغ وسیع طرح شورای ملی مقاومت ماراد را پیشبرد سیاست انغلابی در هر شرایطی یاری خواهد رساند .

نیر نیوس
(۱) فالانکس - منظور این کلمه نه بیشتر فاه نژ بگار می رود سازماند هی نیروی پیاده اسکندر مقدونی است کدر پیروزی های او موثر بود . منظور از جمله فوق اشاره به انسانه اسنند راسته در جستجوی آب حیات سر به طلعات نهاده بود .
(۲) - روتر فابیونی - ماخذ از نام فابیوسون سردار رومی نه شهر به کند نار بود ، یعنی بسا جنگ ومحاصره طولانی و صویل اعدت موافق بود . روتر فابیونی فالانکس را (کدر اینجا سپاهیان خصمی منظور است) درهم خواهد شکست زیرانبروها مسلح ارتجاع به روتر پیروزی سازماند هی نشده . مثلا لشتر عاتورا از فرمانده ناپسیجی ساد مهذبیار

صرف آن اهل آذربایجان ، لشکر علی این ایطال لب هم از فرمانده تانقرات پائین اهل قم وهینظور سایر لشکرهای سپاه حتی در عینی لشکرستان فرماندهی هم ارتی است برادر بزرگتره کستمشد فرماندهی به برادر کوچکتر می رسد و اما ضروریات ادامه جنگ و سرکوب نیروهای ارتجاع را مجبور به تغییر و تحول در سازماند هی ارگان های سرکوب خود می کند که قطعاً با عکس العمل متعدد روبرو خواهد شد . تغییرات در سبک که مدت ها مهود مطالعه فرار گرفته از این جمله است .



نقل از

بعینه از صفحه ۸

- ۱- فتنه کلاشینکوف
- ۲- فتنه ۳۱
- ۳- آر بی جی ۷
- ۴- بی سم بی آر سی ۷۷
- ۵- فتنه متفرقه
- ۶- ابراهیم خلجی
- ۸- محسن موسی زاده
- ۱۰- رضا پناهنده
- ۱۲- اسکندر رحیمیور
- ۱۱- صلاحی

پس از انجام این عملیات موفقیت آمیز پیشرگان بطرف روستای جغتو عقب نشینی کردند فردای همان روز یعنی پانزدهم دی ماه در ساعت ۱۱ صبح نیروهای رژیم روستای جغتو را مورد حمله خود قرار دادند که در اطراف روستا به گمن پیشرگان افتادند و با تحمل تلفاتی عقب نشینی کردند . نیروهای شکت خورده تهاجم دیگری را آغاز کردند که با مقاومت شد بد تر پیشرگان قهرمان روبرو شدند در این درگیری پیشرگان با وجود توپ و خمپاره باران شد بد دشمن طس ۴ ساعت نیرو حماسی پیش از ۱۵۰ تن از مزدوران خمینی را به هلاکت رساندند که اجساد ۷۶ تن از کشته شدگان در میدان سرد بر جای مانده بود .
در این نبرد ۴ تن از پیشرگان قهرمان به شهادت رسیدند . رژیم ساعت پس از این درگیری نیروهای کمکی و تازه نفس رژیم از شهر ملکان حمله دیگری را آغاز کردند . پیشرگان با مقابله با این تهاجم نیز برخاسته و طس نیرو سخت و خونین ، بهر از ۲۵۱ تن دیگر از مهاجمین را به هلاکت رساندند و ۶۰ تن را نیز زخمی کردند پیشرگان براه توپ و خمپاره باران شد بد به دستور فرمانده عملیات تنها به آوردن فنام زیر اکتفا کردند .

- ۱- فتنه کلاشینکوف
- ۲- آر بی جی ۱۱
- ۳- تهمینار بی گس سی
- ۴- تهمینار ۳
- ۵- تهمینار کلاشینکوف
- ۶- فتنه ۳۱
- ۷- فتنه دورین دار
- ۸- تارونیکه دشتی
- ۹- فتنه متفرقه
- ۹- فتنه با ختاب
- ۳- فتنه
- ۴- فتنه
- ۵- فتنه
- ۶- فتنه
- ۷- فتنه
- ۸- بیش از ۵۰ جلد
- ۹- فتنه ۴۰۰۰ تیر

همچنین به هلاکت توپ و خمپاره باران شد بد دشمن و نبودن کارت شناسایی کشته شدگان پیشرگان موفق شدند تنها ۲۱ جسد از آنان را شناسایی نمایند .

- ۱- رضا موسوی نژاد
- ۲- محمد کسرافسی
- ۵- نورالله رازگبر
- ۷- مهرداد الله بهزادی
- ۲- قادر محمد شیوه ای
- ۴- محمد جعفر نژاد
- ۶- کریم حقیقی
- ۸- محمد کریم بهرامی

- ۱- محمد نورزوی
- ۱۱- جلال وحیدی
- ۱۳- علی افشار آویر
- ۱۵- محمد علی محمد پور
- ۱۷- مشار آویسک
- ۱۹- فرمان شفی زاده
- ۲۱- حسن کمالی
- ۱۰- حسین شامی
- ۱۲- محمد حسن سزار
- ۱۴- راد عباسی
- ۱۶- محمد رضا غلامی
- ۱۸- ناله زاری قلند زاده
- ۲۰- محمد ذینال تاز

طس تمام این درگیری های شد بد متأسفانه ۱۴ تن از پیشرگان متأسفانه زیر در راه آزادی گردشتان و سراسر ایران جان باختند .

- ۱- محمود محمد زاده
- ۲- ابوسکر اردلان
- ۳- رحیم محمودی
- ۴- محمد باقری
- ۵- حمید رحمانی
- ۶- آرمین سوری
- ۷- کامیل
- ۸- فریض صحرایی
- ۹- مظفر کامران
- ۱۰- مولود عاد اللهی
- ۱۱- سرباز محمد الی
- ۱۲- سلیمان رشیدی
- ۱۳- شوقی باوانی
- ۱۴- شهید محمدان از نیروی نورو

لازم به یاد آوری است که در این رشته درگیری ها جمعاً بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای ضد خلقی رژیم کشتور زخمی شدند ، همچنین صد ها از مردم بی دفاع منطقه کشتور مجروح گردیدند که هنوز از میزان آن اطلاع دقیقی در دست نیست .

لشکران خمینی که شکت بزرگی تحمل شده بودند در روز ۱۸ دی ماه در روستای بوشنگ دی ماه را که حدود ۳۰ کیلومتر از محل درگیری فاصله داشتند مورد حمله قرار دادند و بزرگ اهالی این دو روستا را به بستی از روستا بردند و هر دو روستا را به آتش کشیدند . رژیم ضد خلقی ضد بشری خمینی همانند گذشته که بیاری مقاومت در برابر پیشرگان قهرمان را نداشت ، و بیاری حیران شکت و خسارت خویش خانه و گاتانه مردم بی دفاع روستاها را در جلو چشمان آنها به آتش می کشد و اهالی روستاها را بی گاتانه و بی خانمان و آوارمینداند همچنانکه اهالی دو روستای بوشنگ و دی سان نیز بدین خانه و گاتانه آواره اطراف شده اند در حالی که تمام هستی آنها توسط مزدوران خمینی به آتش کشیده شده است .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) شهادت
ا پیشمرگ قهرمان حزب دمترت کردستان ایران را به خلق
قهرمان کرد پیشرگان قهرمان کردستان ، حزب دمترت کردستان
ایران و خانواده های ایمن شهادت قهرمان تسلیم می گوید .

نقل از :

بولتن خبری

کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران - تبلیغات اروپا

دگرگیری بسیار شدید و خونین در شهر سلیمان و روستاهای اطراف آن

شمال کردستان

(۱۳ / ۱۲ / ۸۵) - اعضای مرکز آگهی گرفته های حزبی "اوپریم" و "آزارات" به همراه چهار دسته از پیشمرگان نیروهای شهید حاجم و شهید سرگرد عباسی ، نجس و آواره در ساعت یازده و نیم شب ، طی عملیاتی به داخل شهر سلیمان نفوذ کردند و دسته دیگر از پیشمرگان جاده تهران - اوپریم را در نزدیکی شهر سلیمان ، طول ۶ کیلومتر به کنترل خود درآوردند . دسته دیگر از پیشمرگان شرکت راه سازی رژیم واقع در این شهر را به تصرف خود درآوردند و همزمان با پیشمرگان داخل شهر ، عملیات خود را شروع کردند . دسته اول مرکز سپاه پاسداران ضد بشری را در داخل شهر سلیمان مورد حمله شد . دسته خود فرار دادند و موفق شدند این مرکز را شهیدم و تمام نفرات مستقر در آن کشته و زخمی نمایند .

دسته دوم از پیشمرگان در نازیبی از مانشیها ۲ ارتش بنامهای :
۱- نصرت عباس پور ۲- سید ناصر موسوی ۳- مرتضی محمدی
را به اسارت خود درآوردند و یک ستگاه خود روزیم را شهیدم و راننده آنها بنام "اسفر همران" درجه دار ، که مقاومت میکرد به قتل رسانیدند . ضمن کنترل جاده کارهای خرسی به اشیای سبانهای ضد خلق رژیم در کردستان و جازیه عادلانه خلق کرد در میان مسافرین پرداختند . دسته سوم از پیشمرگان نیز ساختمان شرکت راه سازی را شهیدم کردند و خسارات سنگینی به دشمن وارد آوردند . در این رشته عملیات پیشمرگان به شیوه منظم عقب نشینی کردند و در سر راه خود ، اما استقبال روستائیان روستاهای آذری نشین " قاج تپه " و " آهوان " ریسرو شدند .
در روز چهارم هم دی ماه نیروهای رژیم به تعقیب پیشمرگان پرداختند و در روستای " سردبان " با مقاومت قهرمانانه شدیدی پیشمرگان این فرزند ان جان برکف خلق رهبر و شهید شدند در این دگرگیری که شش ساعت بطول انجامید پیشمرگان پس از در هم شکستن مجدد و تهاجم نیروهای رژیم بگلی آنها را به عقب راندند . در این عملیات بیشتر از ۵۰ تن از مهاجمین کشته و زخمی شدند ، حدود ۲۶ تن از کشته شدگان در میدان نبرد بر جای مانده بود که ۱۲ تن از آنها به اساس زیر برای پیشمرگان شناسایی شده باشند .

- ۱- سید موسی رحمانی ۲- علی زارعیان
- ۳- سالم ابراهیمزاده ۴- حسن کمالی

بقیه در صفحه ۷

پیام

روشنی نسبت به جنبش انقلابی کردستان باشیم جنبش کردستان جنبشی است ملی - دمکراتیک و انقلابی که برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود بدست خود مبارزه می نماید . سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) اعلام می دارد .

- ۱ - از حق تعیین سرنوشت خلفهای تحت ستم ایران (هم چنین خلق کرد) به هر شکلی که خود صلاح بدانند پشتیبانی می کنند .
- ۲ - از مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری ، پشتیبانی می نماید .
- ۳ - از محتوای دمکراتیک مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران به مثابه نیروی اصلی و محوری جنبش انقلابی خلق کرد پشتیبانی می کند .
- در شرایط کنونی کردستان وظیفه خود و همعزیموهای انقلابی می داند که :
۱- در جنبش کردستان با توجه به امکانات توانشاً سرتت مسلحانه بکنند .
- ۲ - کمک مالی ، تدارکاتی و درمانی به جنبش کردستان بکنند .
- ۳ - جنايات رژیم خصمی را در داخل و خارج افشا بکنند و صدای مبارزه کردستان را بگوش خلفهای ایران و خارج از ایران برسانند .
- ۴ - مبارزات خلفهای ایران را برای پشتیبانی و همدردی با خلق کرد سازماندهی نمایند .

رفاود و ستان عزیز
بیانید در روزیکه ارتقام پیشمرگ کردستان تجلیل بعمل می آویم ، برای تحقق آرزوی دیرینه خلق کرد دست به دست هم دهیم و در همین جا از ییاد پیشمرگانی که در این راه خونین جان خود را از دست داد ماند و مایه افتخار خلق قهرمان کرد هستند

تجلیل بعمل آویم .
زند و یاد پیشمرگ
سرنگون یاد رژیم خصمی
پیروزیاد مبارزه خلق قهرمان کرد برای آزادی و خود مختاری
پیروز یاد شورای ملی مقاومت
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
کمیته کردستان ۶۳/۹/۲۶

توضیح :

همچنانکه در پیام آمد ، است ، از طرف کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران ، روز ۲۶ آذر ماه بعنوان روز پیشمرگ کردستان اعلام شده است بدین مناسبت مراسمی در دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران برگزار گردید ، که از همسایه جریانات سیاسی ایرانی و کرد حاضر در منطقه و منجمله ما دعوت شده بود .
مادر پیام خود از این حرکت حزب دمکرات پشتیبانی کردیم و لازم می دانیم هر چند مختصر توضیح دهیم که چرا ما از این حرکت پشتیبانی نمودیم . چرا روز ۲۶ آذر را بعنوان روز پیشمرگ سازمان و نیستیم همه کسانیکه بعنوان پیشمرگ شناخته می شوند قلمداد کردیم . جریاناتی بودند که اساساً در این مراسم شرکت نکردند و هیچگونه موضعی در این مورد اتخاذ نکردند (اقلیت - کومله) و نیز بعضی ها این روز را مختص به حزب دمکرات کردند و ...
در حالیکه حزب دمکرات این روز را نه بعنوان روز پیشمرگان حزب دمکرات ، بلکه همچنانکه از نامش پیدا است ، بعنوان روز پیشمرگ کردستان به طور عام اعلام نمود . و اما جواب چراها ؟
ما هم بدلیل تاریخی و هم دلائل سیاسی از روز

۲۶ آذر بعنوان روز پیشمرگ کردستان پشتیبانی کردیم ، که بطور فشرده بدین قرار است :
اولاً به لحاظ تاریخی کسانیکه با تاریخ جنبش کردستان آشنایی دارند و همچنانکه در نشریات حزب دمکرات نیز توضیح داده شده است ، در روز ۲۶ آذر ۱۳۲۴ شهرتانی مهاباد حلقه سلاح شد و همه دنبال آن جمهوری خود مختار مهاباد تولد یافت و نیروی نظامی آن بنام سپاه (ارتش) ملی مشخص شد که بعد نام این نیروی نظامی به نیروی پیشمرگ تغییر یافت . در واقع برای اولین بار در تاریخ ملت کرد (نه فقط کردستان ایران) نام رزمندگان مسلح و مبارز کرد را پیشمرگ گذاشتند . این امر تاثیر مهمی در انتخاب این روز از سال بعنوان روز تجلیل از مقام پیشمرگ دارد .

ثانیاً به اعتقاد ما پیشمرگ کردستان بطور کلی جدا از اینکه در سازمانها و جریانات مختلف و با دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضاد متشکل شده اند ، اما دارای هویت واحد است و آن اینکه هر مبارز که برای تحقق آزادی و خود مختاری بشکل مسلحانه مبارزه نماید بنام پیشمرگ شناخته می شود . بنابراین این نیروی پیشمرگ بخشی از ارتش خلق ایران و دارای هویت دمکراتیک است و نه کمونیستی و جریاناتی که نیروی پیشمرگان را بعنوان نیروی نظامی کمونیستی معرفی می نماید عیباً در انحراف افتد سکتاریستی غوطه ورنند . پس از این نظر ماشکلی برای انتخاب و یا پشتیبانی از روز واحدی بعنوان روز پیشمرگ نداشتیم . در نتیجه ما با این اعتقادات از ایستگاری که حزب دمکرات کردستان بعمل آورد استقبال کردیم و امید داریم که پیشمرگان کردستان سالهای آینده در فضای آزاد و دمکراتیک و کردستان خود مختار که با سرنگونی انقلابی رژیم خصمی متحقق می شود این روز تاریخی و بزرگ را جشن بگیرند .
کمیته کردستان ۶۳/۹/۲۷

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

و چهره واقعی خود را از پس اینجمله دعای وطن پرستانه و دمکرات مآبانه نشان دهند که نامه های عاشقانه مدنی و بی‌شکر بهترین نمونه آن است.

مردم ازاد بخواند و استقلال طلب ایران، اکنون با گذشت زمان بر همه روشن گردیده است که در شرایط سخت و پیچیده مبارزاتی امروز تنها نیروی توان احیا حقوق از دست رفته مردم را دارد که واقعا سلیقه مستقل بوده و از حمایت افسار مغفل مردم برخوردار باشد و بتواند آنها را در کانال صحیح مبارزاتی سازماندهی نموده و مادرک واقعی از شرابید داخلی بین المللی با تصمیمگیریهای قسامع و مناسب مبارزه را تا ثله بیروزی به پیش برد.

بانگهای مختصر به کارنامه درخشان مبارزاتی شوروی سالی مقاومت ایران در سساله اخیر و همچنین با مطالعه کارنامه مبارزاتی نیروی محوری این شیوا و سایر نیروها واقعا آن در ملی سالمان دراز دیکتاتوری شاه و همچنین مقاومت بیگانه آنها بر علیه رژیم نخبه‌پری غمینی به این نتیجه می‌رسیم که تنها آلترناتیو سلیقه مستقل مردمی که قادر به هدایت ایران و ایرانی باشد در حال حاضر تنها شورای ملی مقاومت است. در حقیقت این شورای مبارزات سازمان یافته و سرسری و سیاست های ملخ جوانه و مردمی خود و با کسب حیثیت و اعتبار فوق العاده چه در سطح کل کشور چه در سطح بین المللی بعنوان سبیل شرف و آزادی و استقلال طلبی این خلق در زنجیر می‌درخشد و خود ایرانی آزاد و مستقل را می‌دهد. و در تقابلهای ملی و سیاستی رشد مبارزات مردم برای آزاد ی و استقلال ایران و تحقق حاکمیت ملی و تمام وطن فروشان و مخالفین به وحشت افتاد اند و ما شاهد هسوس و دشمنان شد انقلاب فالسویلوب و موضعگیری آنها بر علیه شورای ملی مقاومت هستیم.

هموطنان عزیز

در شرایطی که دشمنان قسم خورده و از جانب ارتجاعی ترین جناح ها و مسائل امپریالیستی جدیدی حمایت میکنند تا حاکمیت ملی مردمی را تحقق نیابد و در شرایطی که اسرائیل و سوریه با ادعای دشمنی در برنشان بر سر حمایت از رژیم غمینی واد اعد جنگ خاندان سوسیالیست ایران و عراق بودند و بیست و یکم خاتمه یافت و بر سر حمایت از رژیم غمینی واد اعد جنگ خاندان سوسیالیست ایران که سرریس های غمیری در تمام رادیو تلویزیون و روزنامه ها بلنگی مکرر مبارزه و مقاومت در ایران هستند تا از این طریق رژیم غمینی با دست باز تر تسلط بر ایران و انقلاب مارا نابود کند و از این طریق منافع اقتصادی سیاسی کشورهای کشورهای صنعتی برای چندین نسل تأمین گردد و بالاخره در در شرایطی که شورای ملی مقاومت با دفع انواع اقسام حمله های خد ملی و ضد مردمی و مبارزات بیگانه و سیاست های اسولی و آزاد بخواند و وطن پرستانه و در حال حاضر را می‌وجود آمدن هرگونه آلترناتیو امپریالیستی و استعرا سدود گردانست بر مساست که با تمام قوا نهای آن دشمنان و از این تنها نقطه امید و نجات ایران در شرایط کنونی حمایت به درختانیم.

بهین دلیل ما جمعی از ایرانیان ازاد بخواند و وطن پرست متمدن شهر هامبورگ شرایط حاد کنونی را بهیچ وجهی درک ننوده و وظیفه امید انبیه که ما هم توانمان از شورای ملی مقاومت حمایت کنیم و برای تحقق این وظیفه و معاطر حمایتی مستقیم تر بود اقدام بر تشکیل کانون حمایت از شورای ملی مقاومت را در این شهر نمودیم و امید داریم که بتوانیم با حمایت های مردمی شما و نامتعالیهای مستور و بیگانه خود به بخش کوچکی از وظیفه خود را برآورده مقدس خدمت به مردم محروم و نجات مین در زنجیرسان انجام دهیم.

مرگ بر غمینی - زنده باد صلح و آزادی
بیرونیاد شورای ملی مقاومت

کانون حمایت از شورای ملی مقاومت شهر هامبورگ آلمان غربی
هامبورگ ۱۹ آذر ۱۳۴۲

برای تماس با ما لطفاً با آدرس زیر مکاتبه نمائید:
P.O.Box 20 18 21 2000 Hamburg 20

دوماه گذشته به همت جمعی از هموطنان مبارز در شهر هامبورگ آلمان غربی کانون حمایت از شورای ملی مقاومت تشکیل و در این رابطه اطلاعیه اعلام موجودیت کانون انتشار یافت. ما ضمن حمایت از تشکیل اینگونه کانونهای دمکراتیک، برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق، این اطلاعیه را چاپ می‌کنیم و برای دوستان و رفقای مبارز کانون در هامبورگ در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی غمینی و سرسری آرزو می‌کنیم.

اطلاعیه اعلام موجودیت

هموطنان عزیز

با انقلاب شکوهمند و سلسلته ۲۲ بهمن سال ۵۷ مردم تحت ستم ما به این امید بودند که با برچیده شدن نظام سلطنتی و سرنگونی رژیم ضد خلقی و وابسته شاهمان، دوران ظلم و ستم، زرد و چپاولی و غلامه خیانت به حقوق و آزادی ما به پایان رسیده و مردم قادرند برای ایرانی مستقل و آزاد را آغاز نمایند. اما همانطور که همه ما اینها را مبارزات بی نظیر ما اینجمله آگاریها و از خود گذشتگی ها که در تاریخ مبارزات ملت هاکمیت می‌توان دید مشاهده نمودیم، نظام شاهنشاهی و رهبری واقعی و انقلابی بود، زیرا که بدستور ستمی شامسر سیده و در ملی سالمان درازند آگاری ترین سازنده و بهترین و بهترین فرزندان این آب و خاک به اتهام حمایت از طایفه افسار مغروم و ستمگشیده با اقدام شده و با در سپاه جلال های سلطنتی نظیر اوین و... زنده اندی گردیده بود و درست در لحظه اعتراض و انفجار عمومی بر علیه نظام سلطنتی شاهنشاهی جای آنها خالی نبود. بدین علت بر جمعی فرست طلبان و مویدین مبارزات مردم از غیبت انقلابی استفاده ننوده و با تکرار و سرپی خواستهای مردم و بهره گیری از احساسات مذهبی خود و رهبری انقلاب را در ده های و سوری با حذف مخالفان خود با شیوه های مختلف از قبل انحصار طلبی و چسباندن چاقی آری، حذف فیزیکی و بالاخره گسترش وسیع بی سابقه موقوف گردیدند تا حاکمیت سپاه و شیطانی خود را مطلق نموده و سبب تیره و تار طلعت و شامه را بر این میز و پیکر شانند.

باتوجه به اینروزه و بدینصورت حکومت سپاه غمینی از جمله اقدامات این هزار تن از بهترین و ذکاوتکارترین فرزندان این میز و پیکر ۱۲۰۰ هزار زندانی سیاسی و اعمال وحشیانه ترین نوع اختناق و سرکوب و بستن مراکز علمی و نابودی کامل اقتصاد کشور و خراج عاشقانه نعت بنان ازین قیمت و همکاری با رژیم های امپریالیست و آفریقای جنوبی و خرید اسلحه از آنها سرکوب مردم بی دفاع کردستان اقدام جنگ خاندان سوسیالیست و بی حاصل کتاکتون بیوش از یک میلیون کشته زمینی و بیش از دو میلیون آواره جنگی بهارشان داشته و همچنین باتوجه به ۶ میلیون نفر زین وورد بیگانه و اشانه نمودن ۲۵ میلیون پناهنده و آواره سیاسی در سطح کل جهان و تصویر بی سبب و اشتناک و سپاهمدست می‌آوریم که تاریخ گمراهی تحت ستم نبوده آنرا کمتر بخورد دیده است و بهر حال میتوان اذمان نمود که مردم دنیا هرگز قادر نخواهند بود ابعاد ظلم و ستمی را که بر ما رفته درک کنند. هموطنان عزیز، بر روی کار آمدن حکومت ضد بشری غمینی و اینجمله جنایت و قتل و کشتن نتیجه طبیعی حکومت سپاه و طولانی و سیاست های ضد مردمی شاه غمینی میباشد باعث آن گشته که چهره پلید دیکتاتورها و وطن فروشان نظیر شاه مزدور و آندبه فساد و منیات او و عاشقان و تنگنانش برای برخی موقتاً به فراموشی سپرده شود و در این میان به خاندان امپریالیست مانده های دشمن رژیم شاه امکان دهد که با فواعت و بیشری بی حد و حصری بی خاصیت این نوع فریبگان و راز دل و ایشا وطن فروش است و ادعای احمقانه رفتن به ایران و از سر گرفتن دزدی و چپاول و تاراج را بنمایند. از طرف دیگر طولانی شدن بیوسه سرنگونی رژیم غمینی و سختی مبارزه و راه بر پیش رویشان باعث گردیده که مدعیان آزادی و انقلابگری نجات یابند و

دفتراهای

آزادی

به یادشکراله پاکثراد

آدرس: ناصر باغداد - تلاخمس ماضی - میدان امام
پست: ۱ - م - بحر - منطقه کرکس - هدایت - نرس - تبریز -
تعمیر: سر راه دوم - آرزوم - سر راه ماضی - صوبه تهران -
۰۰۰۰

دفترا اول - دی ماه ۱۳۴۲

هائتر در ادامه صحبت هائتر بسیار روشن تر دیدگاههای جناح خود را روشن می‌کنند که مادر شماره آینده بدن می‌پردازیم اما در در اینجا این نکته را هم تذکره می‌دهیم که این تنها حاتم هائتر نیست که اینگونه در تلاثر برای نجات رژیم است، متوسمین های دیگر امپریالیستی نیز هر جا که فرصت می‌یابند همین راه را می‌پیمایند و طبعاً این تئورسینها از همکاری صدمعانه دوستان ایرانی خود نیز برحو در اندکسانی که پیشرفت انقلاب مانعی برای تحقق امیال آنهاست کافایت به روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۸۶ مراجعه و آنچه بعنوان "مشاهدات" از قول ناظری که از ایزرا برگشته چاپ نمود، بدقت مطالعه کنید، کوشی که حاتم هائتر مشاهدات خود را توضیح میدهد.

ادامه دارد

۴ ساعت کار،
دو روز تعطیل در هفته
حق مسلم کارگران است

امپریالیسم

بغیه از صفحه ۴

تند رویها (فدائیان بهارا) را بچمید و گروهانی بی نام و نشان گذشته و اعتدال را رانار مقامات کشوری که "عده زبانی هستند نشان دهد و در مجموع آینده ایران را در این جهت تصویر کند اما مردم ایران که بچوبی بر شان معنای خود فشار رژیم غمینی و تمام دستگامها و اعوان و انصار شر را حرمی کنند بچوبی می‌دانند که دستگام حاکم تئوتی و تمام دسته بندیهای درونی آن در یک جهت و تمام ارتجاعی ضد ترقی خواهی هستند. البته بسیار بعید است که اینرا خانم هائتر نداند هدف حاتم هائتر نیست که آینده انقلاب ایران را بیهم و نامعلوم نشان دهد. مقاومت را شکست خورده اعلام کند تا سدی که در مقابل تحقق این سیاست برای آینده بعد از مرگ غمینی تدارک دیدماند، برداشته شود. این سد شورای ملی مقاومت و نیروی ملزمند و مقاومت هستند که چه غمینی بچیرد و چه نغیرد و چه هر چه دیگر پیش آید مصمم هستند که برای ایرانی مستقل، دمکراتیک و آزاد به مبارزه تا بیروزی ادامه دهند. این نکته ایست که خانم هائتر این تئورسین ارتجاعی ترسین جناحهای امپریالیستی را وادار کرده تا خواستهای و ذنیات خود را بجای واقعیات نشان دهد. خاک

انتخابات نیکارگونه و پیروزی ساندینست‌ها



روز ۱۱ از آنچه ۸۵ طی مراسم در مائادوا پایتخت نیکاراگوئه، رفیق دانیل اورتگا رسماً به عنوان رئیس جمهوری نیکاراگوئه معرفی شد. پرتغال روزنامه نیویورکیسین در این مراسم ۳۵۰ شخصیت عایدی ۵۰ کشور جهان را بعهده داشتند شرکت کرده بودند. رفیق فیدل کاسترو از توبه در این مراسم شرکت داشت.

شورا
شماره ۲ منتشر شد

ما به نام شورا ای می مقاومت

سعود رجوی : ما به نام مردم و ما به نام و تحسین را با ما
و استقلال طلب ایران
محمد توفیق : یعنی به نام " حکومت عدلی "
مهدی باغی : برای توده عساکر و معلمان " مشروطیت "
انودر ویدالی : برای مردم و مکتبک ما و نام ایران و صوفیه
ناصر پاکدانی : مردم و مسلمانان ۱۳۶۲ و انصاف و آزادی ایران
م - لاودی : برای ما استقلال و حرارت و انسانیت
نورین اتحاد : همه چیز در راه عقاید آزادی ایران و ما
دوستم : توده مردم و مردم
ایران : انقلاب و مکتبک ما
احمد جلیلی : ایران ما
آقایان شورای ملی ما
۱۳۶۲ - آبان ۱۳۶۲

۲
۱۳۶۳

برخی از رویدادهای تاریخی

۵ دیماه ۱۳۵۷ - شهادت نامران شهباناسهر یکی از استادان مبارز دانشگاه اراک با معال ناموس می دانشاها

۵ دیماه ۱۳۰۰ - شهادت حیدر مومانی از یگانگان حزب کمونیست ایران یکی از نمایندگان پیشروان بخش ایران در ابتدای فراموشی ۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان به نام معصومه ساداتی (بیبی) در زیر شکنجه

۹ دی ۱۳۰۰ - انتشار اولین شماره روزنامه "حقیقت" ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت محمد دهقان

۹ دی ۱۳۵۷ - شهادت وحشیانه مردم مشهد بدست مزدوران شاه خانی

۱۱ دی ۱۳۵۹ - پیروزی انقلاب رضائی خرد در کوبا به رهبری بنیوس ۲۱ ژوئیه

۱۱ دی ۱۳۶۵ - آمار مبارزه مستانه جنو فستین

۱۶ دی ۱۳۳۸ - درگذشت ساعر شاعر و نماینده

۱۷ دی ۱۳۵۱ - شهادت جوان پهلوان نجفی

۱۹ دی ۱۳۵۹ - ملاقات جوسواپین شوری ملی معاومت با معاون نخست وزیر عراق

۱۹ دی ۱۳۵۱ - ترویج وحشیانه نظامرات مردم توسط مزدوران شاه خانی

۲۳ دی ۱۳۵۷ - روز بزرگشانی دانشاها توسط مردم

۲۶ دی ۱۳۵۷ - فرار شاه خانی

۲۷ دی ۱۳۶۱ - شهادت پانسیس بومبیا یکی از رهبران پیشرو مردم در اتریا

برای فتح قله های
پر صلابت عشق ؛
عشق به آزادی ؛
عشق به مردم ؛
عشق به برابری ؛
یامرگ یاپیروزی .

★ شهدای فدائی در دی ماه

۳۵۰ - رفقا: مرتضی حاج شفیعیها - حسین محمودیان
۳۵۲ - رفقا: بیوسه زکاتری - حسن نوروزی
۱۳۵۳ - رفقا: مسرور فرزندک - فاضله حسن پوراسیلی
پسمن ریخی آهنگران - فاضله نسیمی (نهنانی)
۱۳۵۵ - خدا بختر سعادی
۱۳۵۷ - فتاله لریعی
۱۳۶۰ - رفقا: حاصره جلالی - ساهره میتانی در
فینی چین (اولین شهید پیشرو دانشجویان)
پیشرو فدائی سیروس قسیری
۱۳۶۱ - رفیق: سعید محمد بن الدینی

فرار شاه نشانگر قدرت توده ها

روزهای مبارزه بوده و همیشه میراث فراموشی نشانی نیست، مخصوصاً لفظه‌هایی که توده‌ها خشم انقلابی خود را در پیشروان خویش می بخشند و این پیشروان پیشروان برای توده بعدی میگردند. جوانی در آرزوی روز ۲۶ دی ماه، روز نجات ایران، مردور اهریاییسو در اثر آلودگی مبارزه توده‌ها فرار را برقرار تریت و ارتسور تریت، و در توده توده بود دیگر ماندنی نیست و باید قدرت را بر ما گذاشت. حمایت اهریاییسو تصمیم به سفر گرفتند. هنگام فرار رویدادها برای مرت تاریخی خود

اشت می‌شد. اما توده‌ها به پس از شهادت دوران از مبارزه برای سرخوشی رژیم خاصه پسین خصصاتی دست یافته بودند در حیات آنها رفته و پایتوبی میزدند و بسیاری تدفین خلصت را میخوردند و عبادان دادند تنگی داد اردت دان و فرزندان خود در انقلابی در سیریسو بقوله شاه می‌جسیدند: «پرا که فرار شاه را بوسه زده پیروز شکر میزدند. اما شوق و ترییم شاه تریه به پیروزی برای مردم بود ولی به معنی توده پاییز مردم به منافج حیاتی آنها نبود. توده‌ها قدرت خود را در عمل دیدند، رژیم پهلوی در برابر توده در سعه ۳

با کمک های مالی
خود سازمان را در انجام
وظایف انقلابی یاری رسانید

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME.TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

برای تماس با نبرد خلق
با آدرس زیر مکاتبه کنید.

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

هم میهنان مبارز
سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی
ورسانی بجز مردم ایران علیه رژیم خمینی به
تک های مالی شما نیازمند است.
تک های مالی خود را به هر میزان که بایستد، یا
مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه تریه واپس نمونه
و تریه رسید آنرا به آدرس تریه ارسال دارید.

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم